

## Identifying the Dimensions and Components of Participatory Learning in Primary Schools of Bandar Abbas

**Badralsadat Qureishi:** Ph.D. student of Department of Educational Administration, Bandar Abbas Branch, Islamic Azad University, Bandar Abbas, Iran.

**Parivash Jafari\*:** Faculty member, Department of Educational Administration, College of Management and Economics, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

**Mehdi Bagheri:** Faculty member, Department of Educational Administration, College of Management and Economics, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

**Nader Gholi Ghorchian:** Faculty member, Department of public Administration, Bandar Abbas Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

**Abstract:** The aim of this study was to identify dimensions and components of participatory learning in primary schools of Bandar Abbas. Participants of this qualitative content analysis consisted of 12 primary school teachers familiar with participatory learning who were selected by using purposive sampling method. Sample size was determined based on the theoretical saturation principle. A semi-structured interview was used to collect data. The data were analyzed using open and axial coding using Maxqda software. Five dimensions and 57 components were identified for participatory learning, which include the curriculum dimension (4 components), the teacher dimension (18 components), the school atmosphere dimension (13 components), student dimension (15 components) and principal dimension (6 components).

**Keywords:** participatory learning, teachers, students.

**\*Corresponding author:** Faculty member, Department of Educational Administration, College of Management and Economics, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

**Email:** badrigh55@gmail.com

مقدمه

یکی از عوامل مهمی که می‌تواند میزان موفقیت و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان را تحت تأثیر قرار دهد، روش‌های تدریس معلمان است. در الگوی سنتی یا غیرفعال مدرس وظیفه اصلی را برعهده دارد و فراگیران برای یادگیری باید از او اطاعت کنند، به تفاوت‌های فردی توجه نمی‌شود، مدرس صرفاً بر مطالب و مفاهیم کتاب تکیه دارد و موظف است دانسته‌های خود را به ذهن شاگردان انتقال دهد، (بهرنگ و مرادی 1396). استفاده از روش‌های فعال به جای استفاده از روش‌های غیر فعال و سنتی موجب یادگیری بهتر می‌شود کرامتی (1399) و انگیزش خود و عملکرد تحصیلی را ارتقا می‌بخشد گرشاسپی و همکاران (1398). روش یادگیری مشارکتی از جمله روش‌های فعال یادگیری و الگویی است فراگیر محور و مبتنی بر فعالیت یادگیرنده که مدرس نقش راهنما را دارد احمدبیگی و همکاران (1398)، سازوکار این الگو به سبب وجود عوامل بارز و موثری چون روابط مثبت میان اعضاء، همکاری در گروه‌های یادگیری، مسئولیت پذیری فردی و پیامدهای رضایت بخش گروهی موجب دستاوردهای مثبت و شاخص در آموزش فراگیران شده است بهرنگ و مرادی (1396) یادگیری مشارکتی در مقایسه با یادگیری انفرادی معلومات بیشتر و عمیقتری را در اختیار فراگیران قرار می‌دهد (مالبرگ و همکاران 2017).

یادگیری مشارکتی باعث تقویت حس همکاری، افزایش شوق به یادگیری و احساس مسئولیت فردی و گروهی، پرورش روحیه انتقادپذیری و انتقادگری، تقویت قدرت گوش دادن، بهبود روابط عاطفی، افزایش اعتماد، احترام متقابل، تقویت حس وظیفه شناسی، رشد مهارت‌های کلامی، کاهش اضطراب، تقویت مهارت‌های خودرهبی و کاهش وابستگی دانش‌آموزان به معلم گردیده است (اسلاوین و همکاران 2014). روش‌های متفاوتی برای یادگیری مشارکتی وجود دارد که هر کدام دارای ویژگی‌های خاص خود می‌باشند. جانسون و جانسون (1984)

این روشها را به صورت یادگیری با هم، رقابت و مسابقه تیمی، پژوهش گروهی، مباحثه ساختارمند، جیگ ساو، تقسیم دانش آموزان به گروه‌های پیشرفت، آموزش پیچیده، یادگیری انفرادی با یاری گرفتن از تیم یادگیری مشارکتی سازمان یافته و خواندن و نوشتن تلفیقی مشارکتی دسته بندی کرده‌اند که وجه اشتراک همه این روش ها کار کردن در گروه می باشد(فیضی و همکاران 1393).

بر اساس نوشته‌های مندرج در مقالات و تحقیقات صورت گرفته آنچه که نظام آموزشی ایران را ناکارآمد ساخته است بهره گیری از روش تدریس سنتی به جای روش های نوین و فعال یادگیری است. در روش سنتی بیش از هر چیز به تقویت حافظه و انتقال صرف معلومات و اطلاعات یادگیرندگان تأکید می‌شود، حال آنکه برنامه های مدارس باید بر روشهایی متمرکز گردند که دانش آموزان به جای آموختن و به خاطر سپردن، قابلیت‌های چگونه آموختن را از طریق تفکر و برخورد منظم با مسایل و مشکلات یاد بگیرند. از این جهت ایجاد تغییرات بنیادی در شیوه های تدریس فعال در نظام آموزش و پرورش کشور یکی از ضروریات برای داشتن یک جامعه پویای در حال رشد است. چنانکه در نظام آموزشی کشورهای پیشرفته نیز شاهد تغییرات بی وقفه در زمینه برنامه های درسی و روشهای تدریس هستیم. این پژوهش به دست اندرکاران و مسئولان کمک می‌کند تا با شناخت هرچه بیشتر و کامل‌تر این یادگیری مشارکتی، زمینه را برای استفاده و گنجاندن آن در برنامه های درسی فراهم کند و ازسوی دیگر رهبری آموزشی را برای معلمان ایجاد کرده و آنها را حرفه‌ای‌تر نماید و کیفیت یادگیری و آموزش را در محیط های آموزشی بالاتر ببرد.

عباس زاده دیز و همکاران (1399) در پژوهشی با عنوان «شناسایی مولفه های محیط کالبدی مدارس با رویکرد یادگیری مشارکتی در مدارس پسرانه دوره اول متوسطه شهر تبریز» نشان دادند که هرچه محیط کالبدی مدرسه از شرایط مناسب و مطلوبی جهت یادگیری مشارکتی

همچون عملکرد، پذیرش و مقبولیت، همبستگی و پیوستگی در روابط، بهره‌وری و راندمان، ضعف و کمبود قابلیت‌های تکنولوژیکی، اشتراک منابع، میزان بحث و تبادل نظر در محیط آموزش، کیفیت سیستم آموزش و امکانات و تسهیلات، ارزیابی و سنجش، انگیزش، داشتن آگاهی و شناخت از مشارکت، مشارکت لایه چندگانه، داشتن تجربه گذشته و سابقه مشارکت در یادگیری، سیستم‌های پاداش دهی، مجادله و بحث نوبتی، فرهنگ، اعتماد، شبکه‌های اجتماعی، روابط غیررسمی، ارتباط چهره‌به‌چهره، بازخورد، گستردگی و باز بودن کانال‌های ارتباطی، بازاندیشی، تشریک مساعی در کار روی پروژه‌ها، خشنودی و رضایت خاطر، تعارض درون‌گروهی، نظارت بر فعالیتها، خودکارآمدی، سودمندی و مفید بودن، سادگی در بکارگیری و استفاده را بر اساس نقشه‌های شناختی فازی به عنوان عوامل موثر بر یادگیری مشارکتی در محیط آموزش الکترونیکی شناسایی کردند. مروری بر مطالعات انجام شده نشان می‌دهد تاکنون پژوهشی در راستای مطالعه حاضر صورت نگرفته است. همچنین باتوجه به اهمیت یادگیری مشارکتی و اهمیت و ضرورت آن که پیش از این بحث شد، مطالعه حاضر در راستای پاسخ به این پرسش انجام گرفته است که ابعاد و مؤلفه‌های یادگیری مشارکتی در مدارس ابتدایی شهر بندرعباس کدام است؟

### روش کار

در این پژوهش کیفی تحلیل محتوا، شرکت‌کنندگان پژوهش را 12 نفر از معلمان دوره ابتدایی شهر بندرعباس که با روش یادگیری مشارکتی آشنایی داشتند تشکیل دادند که به روش نمونه‌گیری هدفمند براساس معیار مدرک و رشته تحصیلی (کارشناسی ارشد و بالاتر رشته‌های علوم تربیتی) و سابقه تدریس (حداقل 5 سال) و با تاکید بر حداکثر تنوع انتخاب شدند و تعداد آنها براساس اصل اشباع نظری تعیین شد. گردآوری داده‌ها با استفاده از مصاحبه نیمه‌ساختمند صورت گرفت. اعتبار داده‌ها از طریق بررسی توسط اعضای شرکت‌کننده، بررسی توسط

برخوردار باشد، میزان رضایت و علاقه به یادگیری در دانش‌آموزان افزایش یافته و درنهایت آموزش و پرورش به درستی تحقق می‌یابد، همچنین عناصر تشکیل‌دهنده محیط کالبدی مدارس نظیر مبلمان، فضای سبز، رنگ، هندسه و فضا یکی از مهمترین عوامل در یادگیری مشارکتی در مدارس شناخته شد. نورانی و همکاران (1399) در پژوهشی به بررسی کشف الگوهای مکرر یادگیرندگان در یک محیط یادگیری مشارکتی پویا ایجاد شده براساس نظریه بازی پرداختند. نتایج نشان داد در نظر گرفتن خصوصیات شخصیتی افراد و ارائه خدمات آموزشی مطابق با خصوصیات یادگیرندگان، از عوامل موثر در افزایش یادگیری است و تحلیل رفتار تغییر/عدم تغییر همگروه، می‌تواند در جهت افزایش بازدهی سیستم آموزشی مورد استفاده قرار گیرد.

دکوزوموریمی و سیکلندر (2018) در مطالعه‌ای با عنوان «تعاملات بین دانش‌آموزان و معلمان آنها در تنظیمات یادگیری مشارکتی و پیشرفته در کلاس درس فراگیر» نشان دادند که راهکارهای معلمان (مانند درخواست برای حل مسئله)، انجام وظایف توسط خودشان، نشستن در گروه‌ها، اختصاص دادن به تمرینات گروهی به رشد توانایی‌ها، تفکر و یادگیری و مهارت‌های اجتماعی کمک می‌کند. در واقع استراتژی‌های معلم بر افزایش مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان و کمک به آنها برای توسعه و بیان احساسات اجتماعی خودمتمرکز شده است. لذا معلمان نقش مهمی در زمینه ایجاد تعامل در یادگیری مشارکتی دارند. بابالیس (2013) در مطالعه‌ای با عنوان «رابطه محیط کلاس درس با یادگیری» نشان داد که وضعیت مدرسه بین دبستان و متوسطه تفاوت دارد و یادگیری مشارکتی در بهبود پیشرفت یادگیری و سازگاری کودکان با مدرسه در مقایسه با رقابت بین فردی و تلاش فردی، بسیار موثرتر است و کفایت اجتماعی و عاطفی و اعتماد به نفس را تقویت می‌کند. آژیر (2011) در مطالعه‌ای با عنوان «بررسی عوامل موثر بر موفقیت یادگیری مشارکتی در محیط آموزش الکترونیکی» عواملی

همتا، و استفاده از ناظر بیرونی استفاده شد. و داده های جمع آوری شده از طریق کدگذاری باز و محوری و استفاده از نسخه 2020 نرم افزار مکس کیودا تحلیل شد. یافته‌ها به منظور شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده های کیفی به دست آمده از مصاحبه با معلمان ابتدایی از تحلیل مضمون استفاده شد. در نهایت 57 کد باز (مضمون فرعی) استخراج شد که در 5 دسته یا مضمون اصلی قرار گرفت (جدول ۱).

جدول ۱. ابعاد و مؤلفه‌های یادگیری مشارکتی به دست آمده از مصاحبه با معلمان ابتدایی

Table 1. Dimensions and components of participatory learning obtained from interviews with primary school teachers

ابعاد	مؤلفه ها	فراوانی	درصد فراوانی نسبی
برنامه درسی	دسترسی به مواد آموزشی کافی برای فعالیت گروه ها	۱۵	۴۸/۳۹
	تخصیص زمان کافی برای تمرین یادگیری مشارکتی در برنامه درسی	۸	۲۵/۸۱
	حجم کتابهای درسی	۴	۱۲/۹۰
	وجود توازن بین پرورش بعد شناختی و بعد اجتماعی در برنامه درسی	۲	۶/۴۵
	وجود فعالیتهای کافی برای یادگیری مشارکتی در کتابهای درسی	۲	۶/۴۵
	کل	۳۱	۱۰۰
	توان معلم در تخصیص زمان کافی برای فعالیت ها (توانایی مدیریت زمان)	۱۴	۱۳/۲۱
	توانایی معلم در مدیریت و برنامه ریزی فعالیتهای و تعاملات دانش آموزان	۱۱	۱۰/۳۸
	توانایی معلم در پایش و نظارت بر فعالیت دانش آموزان و عملکرد فردی	۹	۸/۴۹
	ویژگیهای شخصیتی معلم مثل برونگرایی، باز بودن، انعطاف	۹	۸/۴۹
معلمان	مهارت معلم در سازماندهی کلاس و گروه بندی دانش آموزان	۸	۷/۵۵
	علاقه و تمایل معلم به اجرای یادگیری مشارکتی	۸	۷/۵۵
	تعیین نقشها، انتظارات و معیارهای موفقیت و انتقال آنها به گروه ها	۶	۵/۶۶
	آگاهی و دانش معلم درباره اصول یادگیری مشارکتی و مزایای آن	۶	۵/۶۶
	توانایی طراحی و تدوین مواد آموزشی لازم	۵	۴/۷۲
	مهارت واسطه گری	۵	۴/۷۲
	تمایل معلمان به استفاده از روشهای تدریس فعال	۴	۳/۷۷
	مهارت معلم در نحوه ارزیابی	۳	۲/۸۳
	شناخت معلم از توانایی ها و ویژگی های فرهنگی دانش آموزان	۳	۲/۸۳

۲/۸۳	۳	تعمق، بازیابی و بازنگری فعالیتها	
۲/۸۳	۳	مهارت معلم در تدوین و ارائه رویه روشن در مورد نحوه اجرای فعالیتها	
۲/۸۳	۳	تشویق گروه ها به تعمق و تأمل در تعاملاتشان	
۲/۸۳	۳	باور و نگرش مثبت معلم به اثربخشی و فایده یادگیری مشارکتی	
۲/۸۳	۳	فلسفه آموزشی معلم	
۱۰۰	۱۰۶	کل	
۲۶/۹۲	۲۱	چیدمان صندلی ها و تنظیمات کلاس برای مشارکت	
۱۵/۳۸	۱۲	اندازه و ابعاد فیزیکی کلاس درس	
۸/۹۷	۷	بحث و مشارکت بین معلمان در باره چگونگی پیاده سازی یادگیری مشارکتی	
۷/۶۹	۶	کمک معلم به دانش آموزان از طریق ارائه بازخورد به موقع و مناسب	
۷/۶۹	۶	تعداد دانش آموزان کلاس	
۶/۴۱	۵	جو همکاری و مشارکت در مدرسه	
۶/۴۱	۵	حمایت همکاران از یکدیگر در اجرای یادگیری مشارکتی	
۶/۴۱	۵	وجود راهنمای روشن برای اجرای روش یادگیری مشارکتی در مدرسه	
۵/۱۳	۴	حمایت و پشتیبانی درسی و عاطفی - اجتماعی دانش آموزان از یکدیگر	
۲/۵۶	۲	کمک معلم به اعضای گروه برای تعامل موثر و کیفی	
۲/۵۶	۲	اعتماد دانش آموزان به یکدیگر	
۲/۵۶	۲	پشتیبانی تحصیلی و عاطفی اجتماعی معلم از دانش آموزان	
۱/۲۸	۱	مشاهده تدریس همکاران برای کسب تجربه	
۱۰۰	۷۸	کل	
۱۹/۵۷	۱۸	مهارت کار گروهی دانش آموزان	
۱۰/۸۷	۱۰	تمایل و علاقه دانش آموز به کار با دیگران	
۹/۷۸	۹	اعتماد به نفس دانش آموزان برای بیان دیدگاههایشان	
۷/۶۱	۷	تمایل دانش آموزان به اشتراک گذاری دانش با همکلاسیها	

جو مدرسه

دانش آموزان

۷/۶۱	۷	توانایی دانش آموز در برقراری تعاملات اجتماعی سازنده
۷/۶۱	۷	توانایی دانش آموزان در پذیرش دیدگاههای مخالف
۷/۶۱	۷	تمایل دانش آموزان به پذیرش مسئولیت یادگیری
۶/۵۲	۶	آمادگی ذهنی و روحی و روانی دانش آموزان
۵/۴۳	۵	یکسان نبودن میزان فعالیت دانش آموزان در گروه
۴/۳۵	۴	آگاهی دانش آموزان از مزایای یادگیری مشارکتی
۳/۲۶	۳	تمایل دانش آموزان به بحث و اظهار نظر در گروه
۳/۲۶	۳	مهارت گوش دادن و توجه دانش آموزان به دیدگاه یکدیگر
۳/۲۶	۳	میزان انرژی و پتانسیل فردی دانش آموزان
۲/۱۷	۲	تمایل برخی دانش آموزان به تسلط بر دیگران در بحث ها
۱/۰۹	۱	سبک ترجیحی یادگیری دانش آموز
۱۰۰	۹۲	کل
۳۲/۱۴	۹	حمایت مدیر از معلم و تشویق اجرای یادگیری مشارکتی
۱۷/۸۶	۵	آشنایی مدیر با مفاهیم و اصول یادگیری مشارکتی
۱۴/۲۹	۴	علاقه و انگیزه ی مدیر به بهبود عملکرد و ارتقای کیفیت مدرسه
۱۴/۲۹	۴	تعهد سازمانی مدیر برای انجام فعالیتهای نو آورانه
۱۰/۷۱	۳	انعطاف مدیر در عبور از فعالیتهای روتین و معمول مدرسه
۱۰/۷۱	۳	علاقه مندی و تمایل مدیر به انجام فعالیت های تیمی در مدرسه
۱۰۰	۲۸	کل

مدیر

درسی» (2) و «وجود فعالیتهای کافی برای یادگیری مشارکتی در کتابهای درسی» (2) بوده است. عامل معلمان با فراوانی 106 که دارای 18 مضمون فرعی به شرح «توان معلم در تخصیص زمان کافی برای فعالیتهای (توانایی مدیریت زمان)» (14)، «توانایی معلم در مدیریت و برنامه ریزی فعالیتهای و تعاملات دانش آموزان» (9)،

چنانچه در جدول ۱ مشخص است، عامل برنامه درسی با فراوانی 31 که دارای 5 مضمون فرعی به شرح «دسترسى به مواد آموزشی کافی برای فعالیت گروه ها» (15)، «تخصیص زمان کافی برای تمرین یادگیری مشارکتی در برنامه درسی» (8)، «حجم کتابهای درسی» (4)، «وجود توازن بین پرورش بعد شناختی و بعد اجتماعی در برنامه

مشارکت بین معلمان درباره چگونگی پیاده سازی یادگیری مشارکتی» (7) بوده است.

عامل دانش آموزان با فراوانی 92 که دارای 15 مضمون فرعی به شرح «مهارت کار گروهی دانش آموزان» (18)، «تمایل و علاقه دانش آموز به کار با دیگران» (10)، «اعتماد به نفس دانش آموزان برای بیان دیدگاه هایشان» (9)، «تمایل دانش آموزان به اشتراک گذاری دانش با همکلاسی ها» (7)، «توانایی دانش آموز در برقراری تعاملات اجتماعی سازنده» (7)، «توانایی دانش آموزان در پذیرش دیدگاه های مخالف» (7)، «تمایل دانش آموزان به پذیرش مسئولیت یادگیری» (7)، «آمادگی ذهنی و روحی و روانی دانش آموزان» (6)، «یکسان نبودن میزان فعالیت دانش آموزان در گروه» (5)، «آگاهی دانش آموزان از مزایای یادگیری مشارکتی» (4)، «تمایل دانش آموزان به بحث و اظهارنظر در گروه» (3)، «مهارت گوش دادن و توجه دانش آموزان به دیدگاه یکدیگر» (3)، «میزان انرژی و پتانسیل فردی دانش آموزان» (3)، «تمایل برخی دانش آموزان به تسلط بر دیگران در بحث ها» (2) و «سبک ترجیحی یادگیری دانش آموز» (1) بوده است.

عامل مدیر با فراوانی 28 که دارای 6 مضمون فرعی به شرح «حمایت مدیر از معلم و تشویق اجرای یادگیری مشارکتی» (9)، «آشنایی مدیر با مفاهیم و اصول یادگیری مشارکتی» (5)، «علاقه و انگیزه مدیر به بهبود عملکرد و ارتقای کیفیت مدرسه» (4)، «تعهد سازمانی مدیر برای انجام فعالیتهای نوآورانه» (4)، «انعطاف مدیر در عبور از فعالیتهای روتین و معمول مدرسه» (3)، و «علاقه مندی و تمایل مدیر به انجام فعالیت های تیمی در مدرسه» (3) بوده است.

اگرچه در استراتژی تحقیق تکرار یک کد دلیلی بر اهمیت آن نمی باشد اما عرف تحقیقات کیفی محقق را به سمت ارائه گزارش کامل از فراوانی کدها و الویت بندی آنها جهت اطلاع خوانندگان آتی می برد.

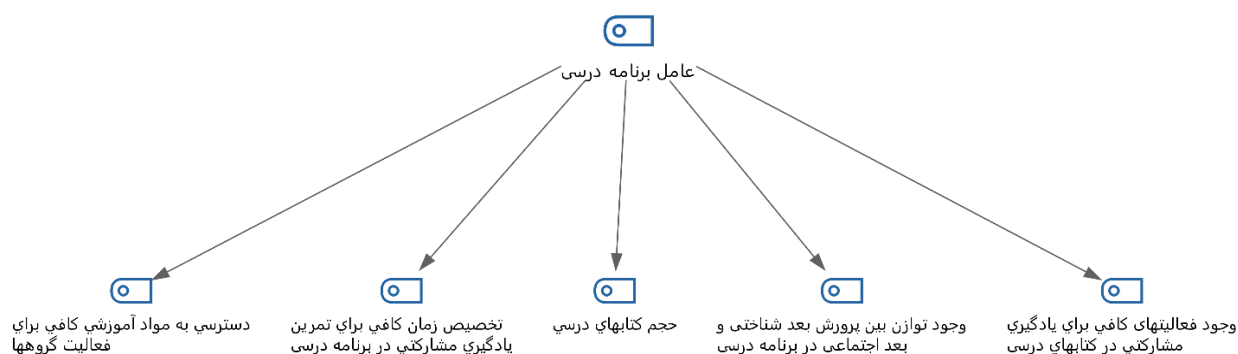
بنابراین اهمیت کدهای باز یا مضامین فرعی بر اساس ماتریس شانون تعیین شد که در نمودارهای 1 و 2 نشان

«توانایی معلم در پایش و نظارت بر فعالیت دانش آموزان و عملکرد فردی» (9)، «ویژگیهای شخصیتی معلم مثل برونگرایی، باز بودن، انعطاف» (9)، «مهارت معلم در سازماندهی کلاس و گروه بندی دانش آموزان» (8)، «علاقه و تمایل معلم به اجرای یادگیری مشارکتی» (8)،

«تعیین نقشها، انتظارات و معیارهای موفقیت و انتقال آنها به گروه ها» (6)، «آگاهی و دانش معلم درباره اصول یادگیری مشارکتی و مزایای آن» (6)، «توانایی طراحی و تدوین مواد آموزشی لازم» (5)، «مهارت واسطه گری» (5)، «تمایل معلمان به استفاده از روشهای تدریس فعال» (4)، «مهارت معلم در نحوه ارزیابی» (3)، «شناخت معلم از توانایی ها و ویژگیهای فرهنگی دانش آموزان» (3)، «تعمق، بازبینی و بازنگری فعالیتهای» (3)، «مهارت معلم در تدوین و ارائه رویه روشن در مورد نحوه اجرای فعالیتهای» (3)، «تشویق گروه ها به تعمق و تامل در تعاملاتشان» (3)، «باور و نگرش مثبت معلم به اثربخشی و فایده یادگیری مشارکتی» (3) و «فلسفه آموزشی معلم» (3) بوده است.

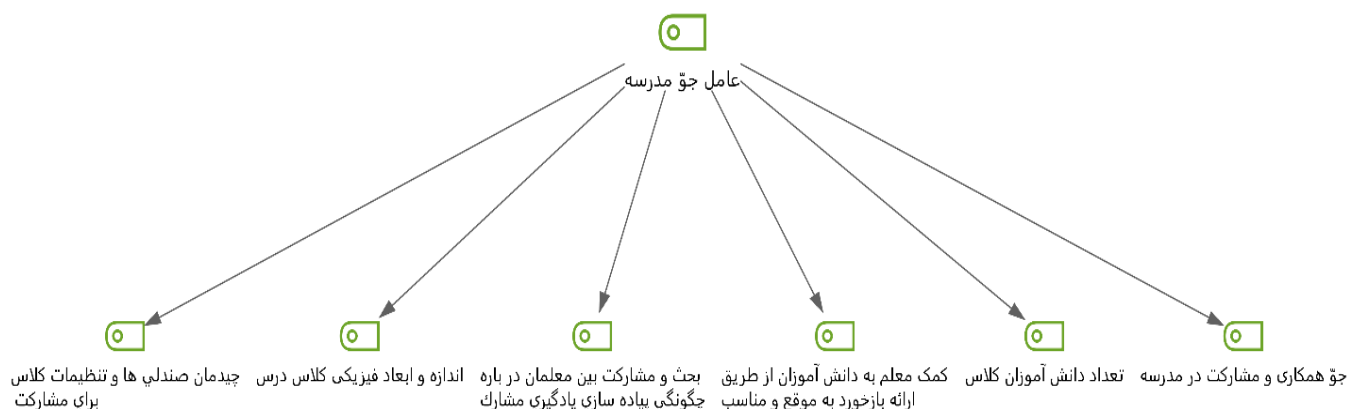
عامل جوّ مدرسه با فراوانی 78 که دارای 13 مضمون فرعی به شرح «کمک معلم به دانش آموزان از طریق ارائه بازخورد به موقع و مناسب» (6)، «کمک معلم به اعضای گروه برای تعامل موثر و کیفی» (2)، «پشتیبانی تحصیلی و عاطفی اجتماعی معلم از دانش آموزان» (2)، «حمایت و پشتیبانی درسی و عاطفی - اجتماعی دانش آموزان از یکدیگر» (4)، «اعتماد دانش آموزان به یکدیگر» (2)، «جوّ همکاری و مشارکت در مدرسه» (5)، «وجود راهنمای روشن برای اجرای روش یادگیری مشارکتی در مدرسه» (5)، «اندازه و ابعاد فیزیکی کلاس درس» (12)، «تعداد دانش آموزان کلاس» (6)، «چیدمان صندلی ها و تنظیمات کلاس برای مشارکت» (21)، «مشاهده تدریس همکاران برای کسب تجربه» (1)، «حمایت همکاران از یکدیگر در اجرای یادگیری مشارکتی» (5) و «بحث و

داده شده اند. البته در تحلیل محتوای پنهان که تاکتیک تجزیه و تحلیل پژوهش حاضر می باشد ضریب اهمیت بر اساس فراوانی اهمیت چندانی ندارد.



نمودار 1. عوامل مربوط به برنامه درسی

Figure 1. Curriculum factors

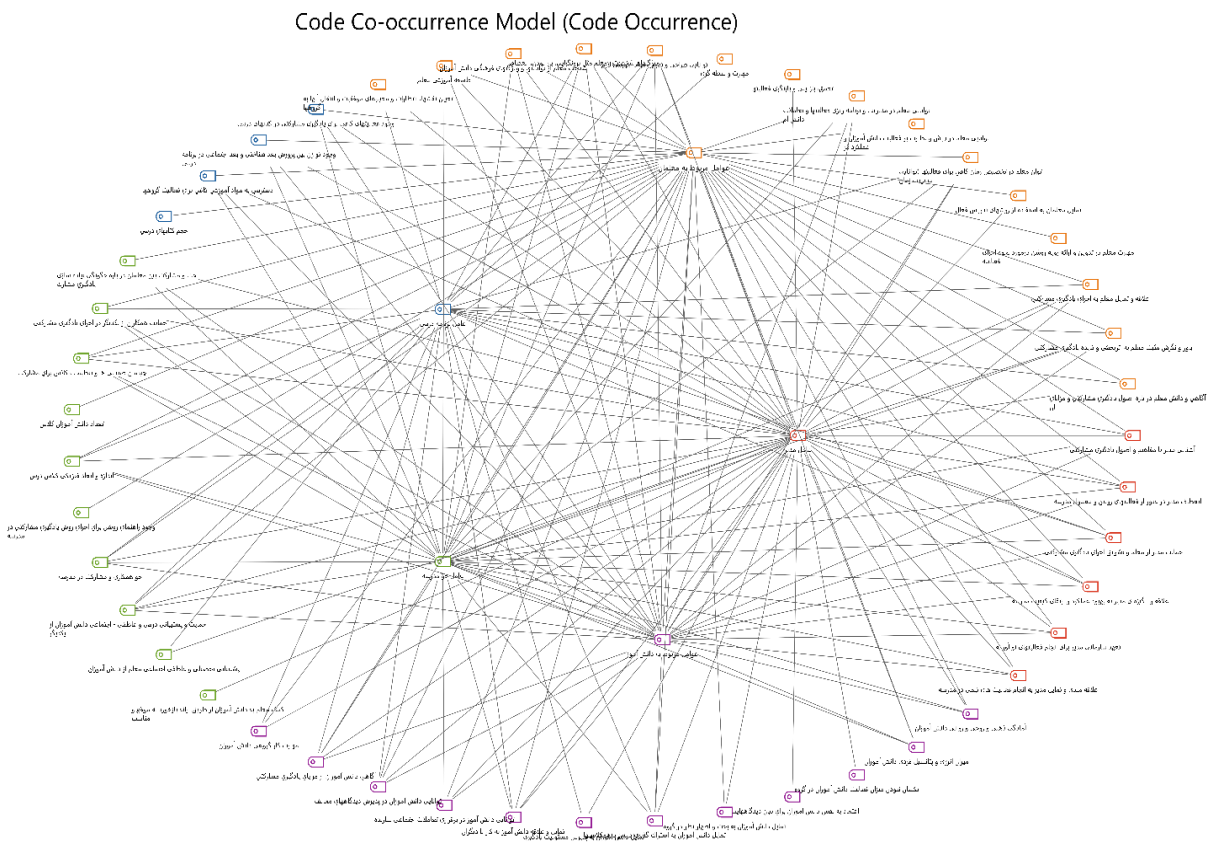


نمودار 2. عوامل مربوط به جو مدرسه

Figure 2. Factors related to school atmosphere

شبکه های مضامین ابزاری برای تحلیل روابط بین مضامین و تاکید بر وابستگی و ارتباط میان اجزا شبکه در نمودار 3 رسم شده است. با استفاده از این شبکه ارتباط میان مضامین پایه، مضامین سازمان دهنده و مضامین فراگیر نشان داده شده است.





**نمودار 3. شبکه مضامین عوامل موثر بر یادگیری مشارکتی**

**Figure 3. Network of themes of factors affecting participatory learning**

صندلی ها و تنظیمات کلاس برای مشارکت برای جو مدرسه شناسایی شدند. در یادگیری مشارکتی نیاز است تعداد دانش آموز به اندازه ای باشد که معلم امکان نظارت و مشارکت همه آن ها برای بحث های گروهی داشته باشد. همچنین چیدمان صندلی ها به صورتی باشد که دانش آموزان حین یادگیری، با معلم و با یکدیگر ارتباط چهره به چهره داشته باشند.

امکانات فناورانه و کمک آموزشی نیز در ارائه محرک های متعدد و ایده به یادگیرندگان در جهت شروع بحث های علمی موثر است. مطالعه آژیر (2011) نیز به میزان بحث و تبادل نظر در محیط آموزش در یادگیری مشارکتی اشاره داشت که همسو با مولفه شناسایی شده «کمک معلم به دانش آموزان از طریق ارائه بازخورد به موقع و مناسب» است. این مولفه بر نقش معلم برای تشویق دانش آموزان برای شرکت در بحث های یادگیری اشاره دارد.

## بحث و نتیجه گیری

مطالعه حاضر با هدف شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های یادگیری مشارکتی در مدارس ابتدایی شهر بندرعباس انجام شد. در این مطالعه ابعاد پنجگانه برنامه درسی، معلمان، جو مدرسه، دانش آموزان و مدیر برای یادگیری مشارکتی شناسایی شدند. پیرامون بعد جو مدرسه، مطالعه همسو مربوط به (عباس زاده دبیز و همکاران 1399) است. مبنی بر اینکه هرچه محیط کالبدی مدرسه (شامل مبلمان، فضای سبزی، رنگ، هندسه و فضا) از شرایط مناسب و مطلوبی جهت یادگیری مشارکتی برخوردار باشد، یادگیری مشارکتی بیشتر تحقق خواهد یافت. درواقع مولفه هایی همچون تعداد دانش آموزان کلاس، اندازه و ابعاد فیزیکی کلاس درس و چیدمان

و سیکلندر (2018) بودند که نشان دادند معلمان نقش مهمی در زمینه ایجاد تعامل در یادگیری مشارکتی دارند. در واقع تعاملات بین دانش آموزان و معلمان، راهکارهای معلمان برای پیشبرد یادگیری مشارکتی، اختصاص دادن زمان برای تمرینات گروهی، از جمله استراتژی های معلم است. در مطالعه آژیر (2011) نیز بر نقش ارتباط چهره به چهره معلم-دانش آموزان و بازخورد به کلاس تأکید شده است. از سویی دیگر، تشریک مساعی و هم اندیشی بین معلمان نیز از جمله عوامل مربوط به معلمان است. معلمان می توانند برنامه تدریس مشارکتی را با کمک یکدیگر طراحی و اجرا و نقد و بررسی و تدریس کنند. آن ها می توانند پیرامون نقاط ضعف برنامه و چگونگی برطرف نمودن آن ها با یکدیگر تبادل نظر کنند.

چنانکه بهرنگی و مرادی (1396) نیز اشاره کرده اند، نقش معلم در یادگیری مشارکتی به صورت هدایت کننده است و صرفاً زمانی که نیاز به اطلاعاتی است که گروه یادگیرنده در دستیابی به آن با چالش مواجه می شود، معلم می تواند آن اطلاعات را در اختیار گروه قرار دهد. نقش معلم در پاداش دهی نیز حائز اهمیت است؛ پس از آنکه گروه به موفقیت دست یافت همه اعضای گروه باید به پاس این موفقیت پاداش دریافت کنند تا انگیزه برای یادگیری مشارکتی افزایش یابد. پیرامون بعد مدیر، مطالعه آژیر (2011) همسو با مطالعه حاضر است که بر گستردگی و باز بودن کانالهای ارتباطی و نظارت بر فعالیتها در یادگیری مشارکتی تأکید کرد. چنانکه در مطالعه حاضر نیز شناسایی شد، مدیر با حمایت از معلمانی که در حوزه یادگیری مشارکتی فعالیت دارند و تشویق آن ها، نظارت بر حسن انجام امور آموزشی، برگزاری جلسات هم اندیشی و رسیدگی به مشکلات اجرای برنامه درسی نقش مهمی در یادگیری مشارکتی ایفا می کند. علاوه بر این عواملی همچون آشنایی مدیر با مفاهیم و اصول یادگیری مشارکتی و نیز علاقه مندی و تمایل مدیر به انجام فعالیت های تیمی در مدرسه نیز در یادگیری مشارکتی موثرند. وجود فعالیت های تیمی

پیرامون بعد دانش آموزان، مطالعه نورانی و همکاران (1399) همسو با یافته مطالعه حاضر است که نشان دادند خصوصیات شخصیتی یادگیرندگان و تحلیل رفتار تغییر/عدم تغییر هم گروه می تواند یادگیری مشارکتی را تسهیل کند. دانش آموزان پس از موفقیت در یادگیری مشارکتی انگیزه بیشتری می یابند و همگروه های خود را تشویق می کنند تا در بحث ها شرکت کنند. علاوه بر این مشاهده موفقیت یک هم گروه و پاداش دهی به او از سوی معلم، دیگر اعضای گروه را تشویق به حضور فعال در فرایند یادگیری می نماید. بر اساس مؤلفه های شناسایی شده در مطالعه حاضر نیز تمایل دانش آموزان به پذیرش مسئولیت یادگیری، تمایل دانش آموزان به اشتراک گذاری دانش با همکلاسی ها، اعتماد به نفس دانش آموزان برای بیان دیدگاه هایشان، تمایل و علاقه دانش آموز به کار با دیگران و مهارت کار گروهی دانش آموزان در یادگیری مشارکتی نقش دارند. پیرامون بعد برنامه درسی، مطالعه نورانی و همکاران (1399) نشان داد ارائه خدمات آموزشی مطابق با خصوصیات یادگیرندگان در یادگیری مشارکتی نقش دارد. در واقع این عامل به تهیه امکانات آموزشی و تدوین برنامه های درسی با توجه به تفاوت های فردی، میزان انگیزه و سطح رشد شناختی یادگیرندگان اشاره دارد. چنانکه احمدیگی و همکاران (1398) نیز عنوان کرده اند، برنامه درسی مبتنی بر مشارکت، فراگیر محور است و این ویژگی، تلویحاتی به نقش تفاوت های فردی افراد و ضرورت انطباق برنامه های درسی با یادگیرندگان دارد. از سویی دیگر، یادگیری مشارکتی نیازمند برنامه درسی متمایزی است که در آن کتاب های آموزشی به گونه ای طراحی شده باشند تا فرصت برای به چالش کشاندن یادگیرندگان ایجاد کند. این کتاب ها قالباً با حجم مناسب و گاهی کم طراحی شده و بدون نیاز از به خاطر سپاری اطلاعات آن توسط فراگیران، از تمرین های متعدد تشکیل می شوند که زمان لازم را پرداختن به آنها توسط معلم اختصاص داده می شود. پیرامون بعد معلمان، مطالعه همسو، (دکوزوموریمی

learning settings in the inclusive classroom. *Teaching and Teacher Education*, Vol. 76, Pp. 165-174.

Faghihi, A, Alizadeh, M 2005. Validity in qualitative research. *Organizational Culture Management*, Vol. 3, No. 2, Pp. 5-19. [In Persian].

Feizi, A , Mesrabadi, J , Zavar, T 2014. Meta-analysis of the effects of group teaching methods on academic performance. *Journal of Studies in Learning & Instructions*, Vol. 6, No. 2, Pp. 1-31. [In Persian].

Garshasbi, A, Fathi vajargah, K, Arefi, M 2019. The effect of Cooperative Learning and Self-evaluation on self-motivation of students with the approach of jigsaw. *Journal of New Approaches in Educational Administration*, Vol. 10, No. 37, Pp. 45-68. [In Persian].

Keramati, M 2020. The perception of undergraduate students in the field of counseling on cooperative learning in the classroom. *Journal of Teaching Research*, Vol. 8, No. 1, Pp. 18-1. [In Persian].

Malmberg, J, Järvelä, S, Järvenoja, H 2017. Capturing temporal and sequential patterns of self-, co-, and socially shared regulation in the context of collaborative learning. *Contemporary Educational Psychology*, Vol. 49, Pp. 160-174.

Noorani, S & et all 2020. Learners' Frequent Pattern Discovering in a Dynamic Collaborative Learning Environment Designed based on Game Theory. *Technology of Education Journal*. 1-15. [In Persian].

Slavin, RE & et all 2014. Experimental evaluations of elementary science programs: A best-evidence synthesis. *Journal of Research in Science Teaching*, Vol. 51, No. 7, Pp. 870-901.

وکارگروهی، روح و اساس یادگیری مشارکتی است و این مهم در نظام آموزشی تحولگرا میسر نمی شود مگر اینکه اعضای سازمان های آموزشی کار تیمی را محور فعالیت های حرفه ای خود قرار دهند. علاوه بر این توصیه می شود اقدام پژوهی هایی در این امر انجام شود و نیز اجرای یادگیری مشارکتی در چند کلاس درس از مدارس ابتدایی شهر بندرعباس بعنوان پایلوت انجام گیرد.

## References

Abbaszadeh, F, Rashid Kolvir, H, Rezaeisharif, A 2020. The study of school physical environment with the participatory teaching approach method in male students of Tabriz middle schools. *Technology of Education Journal*, Vol. 14, No. 2, Pp. 767-778.

Ahmadbeigi, F, Ahghar, G, Iimani naeini, M 2019. Designing and validation of critical thinking model and its effectiveness on cooperative learning in Students of Islamic Azad University, North Tehran Branch. *Journal of New Approaches in Educational Administration*, Vol. 10, No. 38, Pp. 285-308. [In Persian].

Azhir, F 2011. Investigating the factors affecting the success of cooperative learning in the e-learning environment. *Master's Thesis. University of Tehran*. [In Persian].

Babalis, T 2013. The relation of classroom climate to learning. *Journal of Modern Education Review*, Vol. 3, No. 4, Pp. 289-301.

Behrangi, MR, Moradi, A 2017. Studying students' self-directed learning is effected by teaching the academic subject of the principles and philosophy of education through Management Education With a focus on participatory teaching (Jygsav). *Journal of New Approach in Educational Administration*, Vol. 8, No. 32, Pp. 07-128. [In Persian].

Dukuzumuremyi, S , & Siklander, P 2018. Interactions between pupils and their teacher in collaborative and technology-enhanced

مجله‌ی توسعه‌ی آموزش جندی‌شاپور  
فصلنامه‌ی مرکز مطالعات و توسعه‌ی آموزش علوم پزشکی  
سال دوازدهم، ویژه‌نامه 1400

## شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های یادگیری مشارکتی در مدارس ابتدایی شهر بندرعباس

**بدرالسادات قریشی:** دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی، واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرعباس، ایران.

**پریوش جعفری\*:** عضو هیات علمی، گروه مدیریت آموزشی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

**مهدی باقری:** عضو هیات علمی، گروه مدیریت آموزشی، واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرعباس، ایران.  
**نادرقلی قورچیان:** عضو هیات علمی، گروه مدیریت آموزشی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

**چکیده:** مطالعه حاضر با هدف شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های یادگیری مشارکتی در مدارس ابتدایی شهر بندرعباس انجام شد. این مطالعه با رویکرد کیفی و با استفاده از استراتژی نظریه‌پردازی داده بنیاد انجام شد. جامعه آماری شامل معلمان شاغل به تدریس در سال تحصیلی 98-1397 آشنا و فعال در حوزه روش‌های یادگیری مشارکتی بودند. نمونه آماری پژوهش با رویکرد اشباع نظری، 12 نفر تعیین شد. یکی از عوامل مهمی که می‌تواند میزان موفقیت و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان را تحت تأثیر قرار دهد، روش‌های تدریس معلمان است ابزار جمع‌آوری اطلاعات، مصاحبه نیمه ساختاریافته بود. نتایج به کمک نرم افزار مکس کیودا تحلیل شد. براساس نتایج حاصل از تحلیل مصاحبه‌ها، برای یادگیری مشارکتی ابعاد 5 گانه و مؤلفه‌های 57 گانه شناسایی شدند که عبارتند از بُعد برنامه درسی (با 4 مؤلفه)، بُعد معلمان (با 18 مؤلفه)، بُعد جو مدرسه (با 13 مؤلفه)، بُعد دانش‌آموزان (با 15 مؤلفه) و بُعد مدیر (با 6 مؤلفه).

**واژگان کلیدی:** یادگیری مشارکتی، معلمان، دانش‌آموزان

\***نویسنده مسؤول:** عضو هیات علمی، گروه مدیریت آموزشی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

**Email: badrigh55@gmail.com**